

دبیر کمیته کردستان محمد آسنگران
Tel: 00491635112025
E-mail: moasangaran@googlemail.com

مسئول ارتباطات شهرهای کردستان عبدال گلپریان
Tel: 00358 405758250
E-mail: abdolgolparian1@gmail.com

ایسکرا

۵۹۰

اساس سوسیالیسم
انسان است.
سوسیالیسم
جنبش بازگرداندن
اختیار به انسان است.



منصور حکمت

www.iskraa.net

نشریه کمیته کردستان حزب کمونیست کارگری ایران

www.m-hekmat.com

چهارشنبه ها منتشر میشود

۶ مهر ۱۳۹۰، ۲۸ سپتامبر ۲۰۱۱

سردبیر: عبدال گلپریان

قوانین طالبان را حامد کرزای به تصویب می رساند!



محمد امین کمانگر

تواند ریشه های تعصب، جهل و خرافه و سنتهای ضد انسانی ای که هم اکنون توسط میدیای سرمایه با اتکا به صنعت مذهب در چهار گوشه دنیا باد زده می شود و بشریت را مورد تهدید قرار می دهد می تواند در عقب راندن هر گونه خرافه و اوهام موثر افتند. دنیا هیچگاه به اندازه امروز نیازمند يك افق انسانی

صفحه ۳

دزدان هزاران میلیاردی عاملان فقر و محرومیت میلیونی مردم

خود دفاع میکند و تهدید کرده است که سکوت را خواهد شکست. مجلس اسلامی بدنبال بحث در جلسه غیر علنی خود اعلام کرد که اظهارات وزیر اقتصاد و رئیس بانک مرکزی، قانع کننده نیست. تا کنون ۱۹ نفر از رده های فرعی تر این پرونده دستگیر شده اند و شاه مهره ها به جدال لفظی با یکدیگر مشغولند.

صفحه ۵

با توجه به پیشرفتهایی که در عرصه علوم و فن آوری، بخصوص انقلاب انفورماتیک تا کنون رخ داده است، بشریت انتظار داشته و دارد که در قرن ۲۱ نظاره گر صلح و ثبات در جهان و آرامش و آسایش همگان باشد. گذشت زمان و حرکت و پیشرفت جامعه و دستاوردهای تکنولوژی و به عبارت دیگر پدیده ای بنام دهکده جهانی و دگرگون شدن نوع زندگی و روابط اجتماعی و عمیق تر شدن آن، دامنه نیاز به ارتباط و نزدیکی را در همه ابعاد در میان مردم جهان گسترش داده است. به گونه ای که امروز دیگر بدون اتکا به دستاوردهای تکنولوژی تاکنونی، برقراری رابطه با دیگر بخشهای جهان، امری سخت و می شود گفت قدیمی و از رده خارج شده می باشد. از سوی دیگر شناخت دقیق از علل و تاریخچه سنتها، آداب و رسوم می

صفحه ۲

جانباخت. در پی این رویداد نیروهای اطلاعاتی قصد ورود به روستای قلارش را داشتند که اهالی خشمگین روستا به محض حضور نیروهای اطلاعاتی در محل، اقدام به مسدود کردن جاده

صفحه ۳

دو سخنرانی در برلین، دو روز پرهیجان علیه مذهب و کلیسا و پاپ

حرف میزند که مادرش روسی بوده و پدرش آلمانی و او از آلمان شرقی میاید و تجارب تلخی در آن سالها داشته است. اسم این موسسه مدافع حقوق زنان کمی عجیب است.



مینا احدی

اسم آن کارخانه "شکولات سازی" است. او میگوید چون محل کار ما قبلا کارخانه شکولات سازی بوده به همین اسم باقی مانده است. این نهاد بیست کارمند دارد و بودجه خود را از سنای برلین و اتحادیه اروپا میگیرد.

ساعت هفت و ربع جلسه را شروع میکنیم. قرار است رناته بخشهایی از کتابم را بخواند و از

قطار من با یکساعت و نیم تاخیر به برلین میرسد. قرار است همان روز ساعت هفت عصر در جمع سازمان زنان "شوکو فابریک" سخنرانی کنم. رناته ویت یکی از مسئول این سازمان، در ایستگاه مرکزی قطار منتظر هست و باهم به یک رستوران میرویم و نهار میخوریم. در آنجا رناته از خودش

مردم مبارز روستای قلارش در سردشت مزدوران رژیم را گوشمالی دادند

ستاری معروف به "احمد رستم خوبی" ۵۳ ساله اهل روستای قلارش دارای ۵ فرزند بشدت زخمی شد که متاسفانه در راه رسیدن به بیمارستان شهر سردشت

بنا به خبر دریافتی روز چهارشنبه ۳۰ شهریوماه بر اثر تیراندازی نیروهای نظامی رژیم به سوی کارگران مرزی در ناحیه سردشت یکی از کارگران بنام احمد

از ملت تا "مساله ملی" / منصور حکمت	صفحه ۴
کوروش بخشنده از زندان آزاد شد	صفحه ۳
کشته شدن یک کارگر مرزی توسط مزدوران رژیم	صفحه ۳
فوق و آزادی های فردی و مدنی	صفحه ۵
اعلام کمپین در اعتراض به تشدید فشار بر فعالین کارگری	صفحه ۶
مطالعه جمعی کتاب سرمایه (کاپیتال) اثر کارل مارکس	صفحه ۶

آزادی، برابری، حکومت کارگری!

دو روز پرهیجان علیه مذهب و...



میکند.

بویژه خوشحال شدم که "نچلا کلک" زنی که از ترکیه می آید و اکنون چهره معروفی در آلمان است. او نویسنده و منتقد جنبش اسلامی است. وی هم در این جلسه حضور دارد و در بحثها فعالانه شرکت میکند. در نهایت تقریباً همه معتقد هستیم که باید متحدانه خواهان ممنوعیت حجاب کودکان شویم و در مقابل دست اندازی مذهب به زندگی مردم بایستیم.

فردای آن روز قرار است پاپ در برلین باشد و در پارلمان برلین سخنرانی کند. روز ۲۲ سپتامبر یک ائتلاف بزرگ متشکل از ۷۰ نهاد و سازمان فراخوان یک میتینگ اعتراضی علیه پاپ بندیک شانزدهم را داده و منتهم یکی از فراخوان دهندگان و سخنرانان این حرکت هستم. فرزانه درخشان یک میز اطلاعاتی گذاشته و پوسترهایی اعتراض به سفر پاپ بسیار مورد توجه قرار گرفته است. این پوسترها را که از طرف حزب کمونیست کارگری ایران و اکس مسلم و کودکان مقدمند و ایران سولیدارتی تهیه شده در بین جمعیت پخش میکند.

پنجشنبه ۲۲ سپتامبر ساعت چهار بعد از ظهر در مرکز برلین در محل شروع راهپیمایی هستیم. کمی طول میکشد همدیگر را پیدا کنیم، دوستانی از برمن آمده و همه همدیگر را بالاخره پیدا میکنیم. نازنین برومند و پدram که قبل از ظهر رسیده اند با من و یک خانم

هم خود را به شکل پاپ و هیتلر در آورده و در میان جمعیت قدم میزنند. آنها به موضوعی مورد توجه مردم و رسانه ها تبدیل شده اند. این دو نفر خود را به این صورت گرم کرده و در بین جمعیت حرکت میکنند و با مردم حرف میزنند.

از نازنین برومند میخوام عکسی از من و این دو نفر بگیرد و از مردی که قیافه کاملاً شبیه هیتلر دارد میخوام اجازه دهد یک عکس با او بگیرم. او میگوید "سلام خانم احدی" و من با صدای بلند میگویم "ای داد و بیداد هیتلر منو می شناسه" و او میگوید از بنیاد جردانو برونو هستم و شما را از آنجا می شناسم... قیافه آنها خیلی ماهرانه گرم شده است. همه به این موضوع می خندیم...

در آغاز میتینگ چندین نفر سخنرانی میکنند. اینقدر جمعیت زیاد است و جای ما دور از محل سخنرانیه به زحمت حرفها را می شنویم. گفته میشود تعداد زیادی از نمایندگان پارلمان به هنگام سخنرانی پاپ در پارلمان جلسه را ترک کرده به این میتینگ پیوسته اند. برای این نمایندگان جمعیت دست میزند.

اکثر شرکت کنندگان جوان هستند. شعارها و پلاکاردهای جالب و طنز گونه و ایده های بسیار جذاب به این تجمع رنگ و بوی خاصی داده است.

راهپیمایی شروع میشود و با موزیک و شادی حدود یکساعت ادامه دارد. مردم در کنار خیابانها با شور و شوق و خوشحالی این جمعیت عظیم را نگاه میکنند. این یک حرکت اعتراضی بزرگ است و پلیس در اطراف تظاهرکنندگان به نظر من با نوعی ترس و واکنش به این جمعیت پانزده هزار نفره زل زده است.

در پایان راهپیمایی تجمع اصلی است و همه خیابانهای اطراف میدانی که در آنجا جمع شده ایم همه مملو از جمعیت است. میکائیل اشمیت سالمون دست مرا میگیرد و میگوید: مینا بیا بریم بطرف ماشینی که در بالای آن سخنرانیهها انجام میشود.

او با انتظارات آنجا صحبت میکند و مرا معرفی میکند و ما

وارد این ماشین بزرگ میشویم. بسیار شلوغ است و هر کس مشغول یک کار است فیلمبرداری و پخش موزیک و ...

گرداننده و مودراتور که یک خبرنگار و گوینده رادیو و تلویزیون است، سخنرانان را یکی بعد از دیگری معرفی میکند. اولین نفر داوید برگر یک نویسنده همجنسگرای آلمانی است و سپس میکائیل اشمیت سالمون است که مجله اشپیگل او را "پاپ آنتیست ها" معرفی کرده است. سالمون سخنرانی بسیار جالب و رزمنده ای میکند که بارها با تشویق جمعیت روبرو میشود. او میگوید جای پاپ نه در پارلمان آلمان بلکه در دادگاه بین المللی لاهه است. او در ادامه میگوید مالیاتهای میلیاردری که کلیسا از مردم میگیرد و فربه میشود، به همت موسولینی و هیتلر در این جوامع جا افتاد و قانونی شد. کلیسا همواره همکار فاشیستها و نازیستها بوده است...

و بالاخره نوبت من میرسد. مودراتور مرا چنین معرفی میکند: زنی که در زندگیش طعم تلخ دخالت مذهب را چشیده و همسرش در ایران اعدام شده است و اکنون با تشکیل کمیته علیه اعدام و سنگسار به مبارزه با نقض حقوق انسانی پرداخته و به کمک نهاد جردانو برونو در آلمان سازمان اکس مسلم را بنیان گذاشته است...

سخنرانی من چنین بود:

"اجازه دهید از سوی سازمانها و افراد سکولار از سوی آنتیست ها و کسانی که از اسلام خارج شده و به این مذهب پشت کرده اند، و از جانب ضد مذهبها از کشورهای ایران و عراق و افغانستان و سوریه و... به همه شما درود بفرستم. امروز در برلین خیلی از سخنرانان در مورد احترام به حقوق انسانی حرف زدند و علیه دخالت کلیسا و مذهب در زندگی مردم و بویژه زندگی همجنسگرایان صحبت کردند.

کلیسا نهادی است که در دنیای امروز آشکارا از قوانین و سنتها و فرهنگ قرون وسطایی دفاع میکند. کلیسا این قوانین را در هرجایی که

امکانش را دارد، در یک موسسه و یا در یک منطقه با تمام خشونت پیاده میکند. کلیسا و همه مذاهب علیه علم، علیه پیشرفت و علیه مدرنیته هستند. آنها اگر بتوانند میخواهند مردم را به دوره قرون وسطی برگردانند.

ما اینجا جمع شده ایم که اعلام کنیم که مردم حق دارند اعلام کنند که مذهب باید از دولت جدا باشد. مردم حق دارند خواهان کوتاه شدن دست مذهب از آموزش و پرورش باشند.

این حق مردم است در قرن بیست و یک آنگونه عشق بورزند و زندگی کنند که خودشان میخواهند. هیچکس و هیچ نهادی حق ندارد در زندگی خصوصی مردم دخالت کند.

این حق مردم است که از جوامع انسانی مذهب زدایی کنند. صنعت مذهب در همه دنیا با تحمیل بی حقوقی، با تحمیل خشونت و با جنایت مقدس نفس میکشد. اینجا میخوام بگویم که در آلمان چون کلیسا حق ویژه دارد تقلاً میکند که دست جنبش اسلامی و اسلامی ها را هم بگیرد و آنها را نیز وارد این

گود کند. کلیسا در آلمان از آموزش امام در دانشگاههای آلمان دفاع میکند و از حقوق ویژه برای ارتجاع اسلامی در آلمان دفاع میکند. ما باید متحدانه از دستاوردهای رنسانس و روشنگری تا به امروز دفاع کنیم.

اجازه میخوام در اینجا از طرف خانواده های هزاران نفر اعدامی و سنگسار شدگان

در کشورهای اسلام زده بگویم: ما باید بکشیم در همه دنیا دست مذهب از دولت و قانون و آموزش و پرورش کوتاه شود. هیچ مذهب و اخلاقیاتی نباید مانع زندگی آزادانه و خوشبخت انسانها باشد.

بعد از سخنرانی من برنامه های سخنرانی تمام میشود و مردم جوانان تا پاسی از شب در آنجا در خیابانهای رقصند و شاد هستند. این حرکت یک خاطره زیبا و در عین حال بعنوان یک واقعه مهم یعنی قدرت نمایی جنبش سکولار و آنتیست در آلمان علیه دخالت مذهب و پاپ و کلیسا در اذهان باقی میماند.

از صفحه ۱ قوانین طالبان ...

و سوسیالیستی برای برون رفت از وضع موجود نبوده است. در چنین شرایطی حکومتی پیدا می شود تا طبق قوانین قرون وسطایی اش نسبی از جامعه را مادام العمر در انزوا نگه دارد.

قانونی که در افغانستان در دو ماده یعنی ماده ۱۳۲ و ۱۳۳ به تصویب رسید زنان افغانستان را از تمام مواهب زندگی انسانی محروم می کند. طبق این دو ماده زن موظف است که نیازهای جنسی شوهرش را در هر زمانی ارضا و برآورده. طبق این قانون ضد انسانی، هر چهار شب یکبار مردان می توانند همسران خود را از هر کار نالازیمی باز دارند و زنان تنها با اجازه شوهران خود می توانند از خانه خارج شوند؟!

افزون بر آن در قانون احوال شخصیه ازدواج موقت (صیغه) که به گفته مخالفان، پوششی برای روسپیگری است به رسمیت شناخته می شود و سن ازدواج از ۱۸ به ۱۶ سال کاهش می یابد. (البته این قانون فقط روی کاغذ است، چرا که قوانین پوسیده اسلامی در طول تاریخ موجودیت خود و آنجاییکه توانسته، عملاً و در دنیای واقعی دختران را از ۹ سالگی به خانه شوهر فرستاده است.)

حال قانونی که در افغانستان به تصویب رسیده است عملاً نسبی از انسانهای این کشور را از زندگی و حق و حقوق پایمال شده شان بعنوان شهروندان درجه چندم ساقط و ساقط تر می کند. اولین سئوالی که به ذهن

خطور می کند واکنش در بین جریانات مذهبی شیعه و سنی بود. تصویب این قوانین پوخی نشان داد که این جامعه هنوز با گذشته (دوران طالبان) هیچ فرقی نکرده است. اولین جریانی که از تصویب آن پشتیبانی کرد طالبان و دیگر مرتجعین افغانستان بودند. هرچا که اسلام، حکومت اسلامی و دیگر جریانات مذهبی در قدرت بوده اند، این زن است که حرمت، کرامت و انسانیتش اینگونه له شده است. در اندونزی هم که بعنوان پر جمعیت ترین کشور مسلمان از آن نام برده می شود، در سال ۲۰۰۸ قانونی را وضع کردند که زنان را از انتخاب لباسهای دلخواه خود منع

می گوید. "وقتی کسی عریان شود، شیطان به او نظر می اندازد و در او طمع می کند پس خود را بپوشانید".

دقیقا همان نظر وهمان مستد فرماندار جاکارتا و امامان جمعه و آیت الله های حاکم بر ایران هم دارند همین اراجیف امیر المومنین را نشخار می کنند. "خودتان را ببپوشید تا مورد تجاوز قرار نگیرید".

باز امام علی در وصیت خویش به فرزندش حسن می گوید "با پوشش و حاجایی که برای همسرانت قرار می دهی، چشم آنان را از هوس و حرام باز میداری، چرا که حجاب برای آنها ثبات بیشتری به ارمغان می آورد. از خروج بی رویه و بی حساب زنان جلو گیری کن، زیرا مفساسدی دارد و اگر می توانی کاری کن که همسرانت غیر از تو را نشناسند و پا مردان رفت و آمد نداشته باشند".

همین قانون ۱۴۰۰ سال پیش را امروز حامد کرزای تصویب کرد که زنان نباید بدون اجازه مردان از خانه خارج شوند و مردان می توانند زنان خود را از هر کار نالازیمی باز دارند. (یعنی لازم نیست زن بیرون برود باید مدام در خانه بماند.) این بربریت نیازمند پاسخی درخور از سوی بشریت متمم جهان است. صف مردم متمم و سکولار در دنیا می تواند با حرکت خود نظیر آنچه که هفته پیش در برلین نثار پاپ، مذهب و کلیسا کرد، مرتجعین حاکم در افغانستان را نیز سر جای خود بنشانند.

۲۷ سپتامبر ۲۰۱۱

حضرت علی دقیقاً همین را

کورش بخشنده از زندان آزاد شد



بنا به خبر منتشر شده از سوی کمیته هماهنگی برای کمک به ایجاد تشکل های کارگری کورش بخشنده از فعالین کارگری در شهر سنندج و عضو این کمیته که به مدت ۲۲ روز در اطلاعات سنندج در بازداشت بود در تاریخ ۲۷ شهریور با قرار وثیقه ۷۰ میلیون تومانی آزاد شد.

به مناسبت آزادی جمعی از طرف کمیته هماهنگی و جمعی از فعالین کارگری در شهر سنندج مراسمی برگزار گردید و حاضرین با حلقه های گل از کورش بخشنده استقبال کردند.

آزادی کورش بخشنده را به او، به خانواده و بستگانش و به همه انسانهای آزادیخواه تبریک میگوییم همه کارگران زندانی و همه زندانیان سیاسی باید فوراً از زندان آزاد شوند. پرونده های قضایی تشکیل شده برای فعالین کارگری و همه فعالین سیاسی باید فوراً لغو شود. فشار و تهدید بر روی فعالین کارگری باید متوقف شد.

کارگر زندانی، زندانی سیاسی آزاد باید گردد
کمپین برای آزادی کارگران زندانی
۵ مهر ۱۳۹۰، ۲۷ سپتامبر ۲۰۱۱

مردم مبارز روستای قلارش ...

از صفحه ۱

منتهی به روستا نمودند و مانع از ورود آنان به روستای قلارش شده و با خشم و عصبانیت با آنان درگیری شدند. در جریان این درگیری تعدادی از ماموران اطلاعاتی از سوی مردم گوشمالی داده شده و چند نفر از مزدوران زخمی شدند. به یکی از اتومبیل های آنها نیز خسارت وارد شد.

سرنگون باد رژیم
جنایتکار اسلامی
کمیته کردستان
حزب کمونیست کارگری
۳۰ شهریور ۱۳۹۰
۲۱ سپتامبر ۲۰۱۱

از آغاز سال جاری تا کنون بر اثر شلیک مستقیم نیروهای نظامی حکومت ۴۱ نفر کشته و ۳۱ نفر زخمی شده اند.

کمیته کردستان حزب ضمن

کشته شدن یک کارگر مرزی توسط مزدوران رژیم

مستقیم نیروی انتظامی قرار گرفته و به شدت مجروح می شود. سلیمان مرادی پس از زخمی شدن به بیمارستانی در شهر ارومیه منتقل گردید که به دلیل جراحات شدید بالاخره پس از پانزده روز معالجه بدون نتیجه و دست و پنجه نرم کردن با مرگ جان خود را از دست داد. سلیمان مرادی پیشتر بر اثر انفجار مین در مرزهای کوهستانی مناطق مرزی یک پای خود را از دست داده بود اما به

صفحه ۶



از ملت تا "مساله ملی"، قسمت دیگری از بخش سوم، انترناسیونالیسم و مساله ملی، در نوشته منصور حکمت تحت عنوان "ملت، ناسیونالیسم و برنامه کمونیسم کارگری". ایسکرا

از ملت تا "مساله ملی"

منصور حکمت

فصاحت کرد

برنامه کمونیستی سند تحبیب ملل نیست. قرار نیست طبقه کارگر برای تقسیم هر کشور به جمهوری های مستقل هر ملیت بپاخیزد. از نظر طبقه کارگر هر شکایت و اعتراضی از ستمگری ملی فوراً با فرماندم جدایی پاسخ نمیگیرد، پیروزی کارگری، جشن ناسیونالیسم نیست. طبقه کارگر و برنامه کمونیستی موظف است به ستم ملی خاتمه دهد و برای آن مسائل ملی ای که به مسائل واقعی در زندگی توده مردم بدل شده اند راهگشایی کند. این راهگشایی میتواند برسمیت شناسی حق جدایی ملت تحت تبعیض و پائین دست باشد.

در مورد ایران بطور مشخص، مساله کرد یک مساله ملی مفتوح و مطرح است. مساله لر یا مساله آذری یا هر هويت ملی دیگری که میتواند در این یا آن مقطع علم بشود، امروز در سطح مساله کرد در ایران یا منطقه مطرح نیست. ما فرمولی مبني بر حق "ملل" در کشور "کثیر الملله" ایران در تعیین سرنوشت خویش، نداریم. شعار روشنی در قبال مساله کرد داریم: برسمیت شناسی حق جدایی مردم کردستان و تشکیل دولت مستقل.

با قرار دادن وجود مساله ملی بعنوان شاخص موضوعیت داشتن حق جدایی، دشواری ها و التقاطهای تنوریک مهمی رفع میشود. اولاً، بجای قلمرو سوئیکتیو و دلخواهی تعریف ملت و بعد تقسیم بندی آنها به ملت های بزرگ و کوچک، معتبر و غیر معتبر، تاریخی و غیر تاریخی، صلاحیتدار و بی صلاحیت، مساله ابژکتیو و قابل مشاهده وجود و عدم وجود «مساله ملی» «مبنای تحلیل قرار میگردد. ما دیگر موظف نیستیم تعریف های رنگارنگ ناسیونالیستها از ملت را بپذیریم، موظف نیستیم با قبول هویتهای ملط در خلق و بقاء آنها شرکت کنیم، موظف نیستیم وارد بحث رد و قبول اعتبار نامه های

برسمیت شناسی حق تعیین سرنوشت، یا حق جدایی، اهرم سیاسی و شعار تاکتیکی ای در قبال وجود ملتها و تعلقات و توهمات ملی و یا حتی وجود ستم ملی نیست. ابزاری است برای پاسخگویی به «مساله ملی». «وجود ملت و ستم ملی بخودی خود معادل وجود یک «مساله ملی» نیست. این یک مقوله اساسی در بحث ماست، بدون هويت ملی طبعاً مساله ملی نمیتواند وجود داشته باشد.

همینطور بدون ستم ملی، یا تصور وجود ستم ملی، و یا لااقل رقابت ملی، مساله ملی وجود خارجی نخواهد داشت. اینها شرط لازم پیدایش مساله ملی در جامعه است، اما شرط کافی آن نیست. وقتی میتوانیم از وجود مساله ملی حرف بزنیم که این هویتهای ملی متقابل و کشمکشها و رقابتهای خصوصتها به درجه ای از غلظت و شدت رسیده باشند، از پیشینه و تاریخی برخوردار شده باشند و حساسیتی را در کل جامعه برانگیخته باشند که آنرا در زمره مسائل محوری جامعه قرار داده باشد. مساله ای که از نظر توده وسیع مردم و از نظر حیات اقتصادی و سیاسی جامعه پاسخ میطلبد. برسمیت شناسی حق جدایی یکی از روشهای درمانی، یک جراحی اجتماعی، است که در چنین شرایطی در دسترس طبقه کارگر است. اما بدو باید مساله ای بوجود آمده باشد تا چنین راه حلی اساساً موضوعیت پیدا کرده باشد. باید دردی وجود داشته باشد تا چنین درمانی را، که به شهادت تاریخ صد و پنجاه سال گذشته در اکثر اوقات برای کمونیستها "قابل توصیه" نیست، در لیست امکانات قرار بدهد.

وقتی دقیق تر نگاه میکنیم مبینیم مارکس و لنین هم تا آنجا که به حق جدایی مربوط میشود در واقع نه کل تنوع ملی یا موارد بیشمار ستم ملی، بلکه «مسائل ملی» «مفتوح در جهان معاصر خویش را در نظر داشته اند. فرمولبندی های آنها را نیز باید در همین متن فهمید و

جدایی را حتی با کاربست محدود میدانیم و حتی آنجا که این حق را برسمیت میشناسیم معمولاً به ملت مربوطه توصیه جدایی نمیکنیم. ثالثاً، این تبیین دست ما را برای پاسخگویی به مسائل ملی ای که محتوای اقتصادی و سیاسی گوناگون و مشخصات تاریخی مختلفی دارند باز میکند. ما دیگر در برخورد به مسائل ملی مطروحه در جامعه موظف به قضاوت اخلاقی و یا حکمیت تاریخی خاصی در مورد "اصلت و صلاحیت" ملل مورد بحث، وجود و عدم وجود ستم ملی و ابعاد آن و یا نقش رفع مساله در سیر تکاملی تاریخ بشر نیستیم. ما حتی ناخواسته در کنار یک ناسیونالیسم در برابر دیگری قرار نمیگیریم. قصد ما حل مساله ملی و خلاص کردن جامعه و طبقه کارگر در هر دو سوی شکاف ملی از عوارض منفی آن است، و نه استیفای حقوق ملی این یا آن ملت. بی محتوترین و جعلی ترین کشمکشها و تناقضات ملی هم، اگر برآستی جامعه را به قطب بندی کشیده باشند، میتوانند پاسخ روشنی از کمونیستها بگیرند. این جنبه بخصوص در دوران ما با روند ارتجاعی و منحط ملت سازی که در جریان است و مشقاتی که به مردم تحمیل میکند، بسیار مهم است

اما مهمترین وجه این شیوه تبیین مساله اینست که کشمکش کمونیسم و ناسیونالیسم بر سر مساله ملی و جدایی ملل را سر جای واقعی خود قرار میدهد. قلمرو فعالیت ضد ناسیونالیستی کمونیسم کارگری را بشدت گسترش میدهد و متحول میکند. این را باید بیشتر بشکافیم.



حقوق و آزادی های فردی و مدنی یک دنیای بهتر - بخش ۲ - فصل سوم

سخنگویان سرمایه داری احترام به حقوق فردی و مدنی را خصلت مشخصه و یک رکن اصلی نظام خویش اعلام میکنند. واقعیت اینست که از میان ۵ میلیارد انسانی که امروز زیر حاکمیت سرمایه زندگی میکنند، تنها درصد ناچیزی را، آنهم در کشورهای معدودی، میتوان سراغ کرد که از نوعی حقوق فردی و مدنی تعریف شده و نسبتاً با ثبات برخوردارند. سهم اکثریت عظیم مردم جهان سرمایه داری، بی حقوقی سیاسی کمابیش مطلق، دولت های فعال مایشاء و مستبد، و تروریسم و خشونت سازمان یافته دولتی است. بعلاوه، در خود کشورهای صنعتی اروپای غربی و آمریکا نیز حقوق فردی و مدنی مردم نه فقط در قیاس با آزادی مورد مطالبه انسان امروز انگشت شمار و ناچیز است، بلکه بر متن انقیاد اقتصادی توده مردم کارگر به سرمایه و رابطه مستقیم حق و آزادی با مالکیت، از هر معنی مادی و جدی تهی است. و بالاخره، تجربه زندگی مردم این کشورها در دوره های بحران و تنگنای اقتصادی به روشنی نشان میدهد که بقاء و دوام همین حقوق انگشت شمار و فرمال نیز ربط مستقیم به موقعیت اقتصادی طبقه سرمایه دار دارد و هر جا این حقوق برای سودآوری و انباشت سرمایه دست و پاگیر شده اند، بسادگی مورد تعرض دولت و طبقه حاکم قرار گرفته اند.

آزادی فردی و مدنی واقعی تنها در جامعه ای میتوان متحقق شود که خود آزاد باشد. انقلاب کمونیستی کارگری، با از میان بردن انقیاد طبقاتی و اقتصادی انسانها، مبشر گسترده ترین آزادی ها و امکانات ابراز وجود فرد در قلمروهای مختلف زندگی است.

حزب کمونیست کارگری در عین حال برای تحقق و تضمین وسیع ترین حقوق فردی و مدنی در جامعه موجود مبارزه میکند. اهم این حقوق و آزادی های انکار ناپذیر و غیر قابل نقض عبارتند از:

- حق حیات و مصونیت جسمی و

غیره بعنوان عامل محدود کننده آزادی نقد و اظهار نظر مردم، ممنوعیت هر نوع تحریکات و تهدیدات مذهبی و ملی و غیره علیه بیان آزادانه نظرات افراد.

- آزادی مذهب و بی مذهبی.

- حق رای همگانی و برابر برای کلیه افراد بالاتر از شانزده سال مستقل از جنسیت، تعلقات مذهبی، قومی، ملی، شغلی، تابعیت، مرام و عقیده سیاسی و آزادی هر فرد بالاتر از شانزده سال برای کاندید شدن در هر نهاد و ارگان نمایندگی و یا احراز هر پست و مقام انتخابی.

- ممنوعیت تفتیش عقاید. حق استنکاف شخص از ادای شهادت علیه خود که بتواند به اعلام جرم علیه وی منجر گردد. آزادی سکوت درباره نظرات و اعتقادات شخصی.

- آزادی بی قید و شرط انتخاب محل سکونت، آزادی سفر و نقل مکان برای همه افراد بالای شانزده سال اعم از زن و مرد. ممنوعیت هر نوع کنترل دائمی عبور و مرور در داخل کشور توسط دولت و مقامات انتظامی. لغو هر نوع محدودیت بر خروج از کشور. صدور بی قید و شرط و فوری گذرنامه و جواز ورود و خروج.

- ممنوعیت اعمال هر نوع محدودیت بر ورود و خروج اتباع سایر کشورها. اعطای تابعیت کشور به هر فرد متقاضی که تعهدات حقوقی شهروندی را میپذیرد. صدور بی قید و شرط اجازه اقامت و کار برای متقاضیان اقامت در ایران.

- مصونیت زندگی خصوصی افراد. مصونیت محل زندگی، مکاتبات و مراسلات و مکالمات فرد از هر نوع دخالت توسط هر مرجعی.

- ممنوعیت استراق سمع، تعقیب و مراقبت. ممنوعیت گردآوری اطلاعات در مورد زندگی افراد بدون کسب اجازه رسمی از خود آنها. حق هر فرد ساکن کشور به دریافت و مطالعه کلیه اطلاعاتی که مراجع دولتی از او در اختیار دارند.

- آزادی انتخاب شغل

دزدان هزاران میلیاردی عاملان فقر ...

از صفحه ۱

بیشتر شاهد افشای موارد متعددی از اختلاس ها و دزدی های سران و کاربدستان حکومت بوده ایم؛ اختلاس ۱۲۳ میلیون تومانی دهه هفتاد که مرتضی و محسن رفیق دوست رئیس وقت بنیاد مستضعفان و فاضل خداداد از متهمان آن بودند، اختلاس بزرگ اواخر دهه ۷۰ که شهرام جزایری متهم اصلی آن بود و بذل و بخشش او به مقامات و ترس از روشن شدن دست برخی از مقامات باعث شد که بی سر و صدا از زندان آزاد شود، ماجرای یک میلیارد دلاری که مفقود شد و بالاخره کسی در مورد آن پاسخگو نشد، افشاگریهای پالیزدار از فساد مالی دهها نفر از سران رژیم و امام جمعه ها و آیت اله ها، کشف و ضبط کامیون حاوی ۱۸ نیم میلیارد دلار پول و طلا که در سال ۸۸ از ایران خارج شد و در ترکیه توقیف گردید، افشای اسکله های خصوصی سپاه برای ورود کالاهای قاچاق توسط احمدی نژاد، و اختلاس ۱۲ میلیارد دلاری مازاد درآمدهای نفت که بتازگی افشا شده، فقط نمونه هایی است که تا کنون از پرده بیرون افتاده است. اگر برخی اختلاس ها و دزدی ها رو شده و به بحث علنی تبدیل شده است بخاطر استفاده باند های حکومتی برای تصفیه حساب های جناحی است و گرنه، تاریخ جمهوری اسلامی مملو از

مرگ بر جمهوری اسلامی زنده باد انقلاب انسانی برای حکومتی انسانی!

زنده باد سوسیالیسم!
حزب کمونیست
کارگری ایران
۳۱ شهریور ۱۳۹۰
۲۲ سپتامبر ۲۰۱۱

- آزادی بی قید و شرط انتخاب لباس. لغو هر نوع شرط و شروط رسمی و یا ضمنی بر مقدار و نوع پوشش مردم، از زن و مرد، در اماکن عمومی. ممنوعیت هر نوع تبعیض و یا اعمال محدودیت بر مبنای پوشش و لباس مردم.

- آزادی حسابرسی و نظارت نمایندگان مردم بر فعالیت ها و اسناد و دفاتر نهادهای دولتی. ممنوعیت دیپلوماسی سری.



کمک مالی
به کمیته گردستان

کریم شامحمدی
۵۰۰ کرون

مطالعه جمعی کتاب سرمایه (کاپیتال) اثر کارل مارکس در مستجر پلتاک



به اطلاع علاقمندان به مطالعه کتاب کاپیتال می‌رسانم که گروهی از این علاقمندان هر یکشنبه در اطاقی به همین اسم در مستجر معروف پلتاک دور هم جمع می‌شوند. هدف از مطالعه جمعی کاپیتال در وهله اول خواندن، سپس تلاش برای فهم متن کتاب، بعد از آن طرح سوالات افراد از جمع، و در وهله آخر طرح برداشتهای مختلف شرکت کنندگان از مباحث کتاب و بحث پیرامون این درک‌ها و برداشتهاست.

شاید بپرسید: آیا کتابی که حدود یک قرن و نیم از انتشار آن می‌گذرد هنوز می‌تواند به دنیای امروز ما مربوط باشد؟ دنیای ما بیشک تغییر کرده، اما واقعیت اینست که تحلیل مارکس از نظام کاپیتالیستی مربوط به پایه‌های این نظام است. بنابراین تا وقتی که انسان مزدبگیر هست، سرمایه‌دار هست، سود هست، خرید و فروش هست، پول هست، بانک هست، رشد سرمایه هست، طبقه و بنابراین اختلاف طبقاتی هست، دولت هست، دادگاه هست، پلیس هست، زندان هست و... تحلیل جامع اقتصادی - اجتماعی - سیاسی مارکس در کتاب کاپیتال به زندگی ما

مربوط می‌ماند. بیدلیل نیست که نگرش مارکسیستی به جهان تا همین امروز، بعنوان نمونه، جزو برنامه درسی نه تنها در رشته‌های اقتصاد و جامعه‌شناسی و علوم سیاسی، بلکه همچنین در رشته‌های هنر، ادبیات، روانشناسی، فلسفه، حقوق، تاریخ و غیره در همه دانشگاه‌های معتبر جهان است.

شما را به پیوستن به این جمع مطالعاتی دعوت می‌کنم.

زمان:

یکشنبه‌ها، ۱ تا ۴ بعد از ظهر

مکان:

پلتاک،

اطاق Capital Marx

Category: United States and Canada
Sub-category: Alberta

برنامه پلتاک را می‌توانید از www.paltalk.com بگیرید، با نام خود یا یک نام مستعار ثبت نام کنید، و وارد محیط پلتاک شوید. ضمناً از طریق لینک زیر به متن سرمایه، ترجمه جمشید هادیان، دسترسی دارید

www.kapitalfarsi.com

جمشید هادیان
۱۶ سپتامبر ۲۰۱۱

کشته شدن یک کارگر ...

از صفحه ۳

برای جمع آوری مینها از سوی نهادهای حکومت اسلامی صورت نمی‌گیرد. طی شش ماه گذشته تا کنون تا کنون بر اثر تیراندازی مستقیم نیروهای انتظامی به سوی کارگران مرزی، ۴۴ نفر کشته و ۳۱ نفر نیز زخمی شده‌اند.

اعلام کمپین در اعتراض به تشدید فشار بر فعالین کارگری

Free jailed workers in Iran

Mansoor Ossanlou
Ebrahim Madadi
Mohammad Jarahi
Reza Shahabi
Behnam Ebrahim-zadeh
Shahrokh Zamani



Shahrokh Zamani



Mohammad Jarahi



Ebrahim Madadi



Reza Shahabi



Behnam Ebrahim-zadeh



Mansoor Ossanlou



Koorosh Bakhtavand

اعلام کمپین در اعتراض به تشدید فشار بر فعالین کارگری و صدور احکام سنگین برای آنان شاهرخ زمانی ۱۱ سال حکم زندان گرفته است

در هفته‌های اخیر فشار بر روی فعالین کارگری در ایران شدت بیشتری یافته است. جمهوری اسلامی با صدور احکام سنگین زندان برای فعالین کارگری و فعالین عرصه‌های مختلف اجتماعی در ایران تلاش دارد، جنبش اعتراضی کارگری و مبارزات مردم را عقب بزند. از جمله رژیم اسلامی در ۱۸ اوت در شهر تبریز سه نفر از فعالین کارگری و دو نفر از فعالین دانشجویی را دادگاهی کرده و تحت عنوان تشکیل گروه‌های مخالف حکومت و تبلیغ علیه نظام برای آنها احکام سنگینی صادر کرده است.

یکی از این کارگران شاهرخ زمانی کارگر ساختمانی عضو کمیته پیگیری برای ایجاد تشکل‌های کارگری است که به یازده سال حبس تعزیری محکوم شده است. محمد جراحی کارگر زندانی دیگری است که در همین دادگاه ۵ سال حکم زندان گرفته است و برای دو دانشجوی دیگر نیما پوربوقوب و ساسان واهی و ش به ترتیب ۵ سال و شش ماه حکم داده شده است. ۱۱ سال حکم زندان به یک فعال کارگری به خاطر مبارزاتش برای متشکل شدن و برای خواسته‌های برحقش هشدار دهنده است و اقدامی اضطرابی را می‌طلبد.

همچنین رژیم اسلامی در همین روزها در جریان اعتراضات کارگران آهنگری تراکتورسازی تبریز در اعتراض به دستمزدهای پرداخت شده‌شان، در اقدامی جنایتکارانه تعدادی از کارگران اعتصابی را دستگیر کرد. آنها را در سلولهای انفرادی نگاهداشت. برای تحقیرشان موی سرشان را کوتاه کرد و بعد هم حکم اخراجشان را صادر کرد و سرانجام زیر فشار اعتراضات کارگران با قرار وثیقه از زندان آزادشان کرد.

فعالین معلم نیز در آستانه

بازگشایی مدارس زیر فشار قرار گرفته و به دادگاه احضار شده و بعضاً حکم تبعید و یا اخراج از کار گرفته‌اند. و رسول بداغی از اعضای هیات مدیره کانون صنفی معلمان با ۶ سال حکم در زندان است و اخیراً حکم اخراجش از کار را نیز صادر کرده‌اند.

کمپین برای آزادی کارگران زندانی با اعلام کارزاری جهانی از همه سازمانهای کارگری و نهادهای انساندوست در سراسر جهان میخواهد که با همبستگی خود با کارگران ایران به جمهوری اسلامی فشار بیاورند که این فشارها فوراً متوقف شود. ما از سازمانهای کارگری و نهادهای انساندوست در سراسر جهان انتظار داریم که به هر شکلی که میتوانند ما را در پیشبرد کارزاری جهانی علیه این تهاجمات یاری رسانند.

احکام سنگین زندانی برای فعالین کارگری و دور جدید تهدید و فشار بر روی فعالین کارگری و دیگر عرصه‌های اجتماعی در حالی صورت می‌گیرد که از قبل تعدادی از کارگران از جمله رضا شهابی، ابراهیم مددی از کارگران سندیکای شرکت واحد و بهنام ابراهیم زاده عضو کمیته پیگیری برای ایجاد تشکلهای کارگری در زندانند و در همین هفته اخیر کورش بخشنده از فعالین کارگری شهر سنندج به بازداشتگاه اطلاعات سنندج انتقال داده شده است و علی نجاتی عضو هیات مدیره سندیکای نیشکر هفت تبه نیز با یکسال حکم زندان برای اجرای حکم خود احضار گردیده

است. همچنین داود رضوی از اعضای هیات مدیره سندیکای واحد به دادگاه احضار شده است و منصور اسانلو را نیز پس از ۴ سال زندان، در حالیکه در وضعیت جسمی وخیمی قرار دارد تحت عنوان مرخصی از زندان آزاد کردند تا چماق زندان و دستگیر همچنان بر روی سرش باشد.

جمهوری اسلامی با این یورش در واقع تشکلهایی که به تلاش خود کارگران شکل گرفته است را زیر حمله گرفته است تا مانع سازمانیابی مبارزات کارگران شود. صدور چنین احکام سنگین و جنایتکارانه‌ای برای کارگران و چنین یورش گسترده‌ای به فعالین کارگری و فعالین معترض در عرصه مختلف اجتماعی در ایران را می‌بایست با اعتراضی جهانی پاسخ داد.

ما از همه سازمانهای کارگری در سراسر جهان میخواهیم که با حمایت و پشتیبانی وسیع خود از این کارزار ما را در پیشبرد این خواسته‌های اضطرابی و آزادی فوری کارگران زندانی و زندانیان سیاسی در ایران یاری رسانند. با نوشتن نامه‌های اعتراضی به جمهوری اسلامی و محکوم کردن صدور احکام سنگین برای فعالین کارگری و خواست آزادی فوری کارگران زندانی و زندانیان سیاسی از زندان ما را در این کارزار همراهی کنید.

کمپین برای آزادی
کارگران زندانی

۲۰ سپتامبر ۲۰۱۱

مرگ بر جمهوری اسلامی، زنده باد جمهوری سوسیالیستی!